



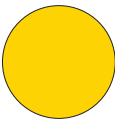
A T I Y E N O

شناسنامه  
P R O F I L E

- صاحب امتیاز:
- موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه (وابسته به سازمان تامین اجتماعی)
- سردبیر: زیر نظر شورای سردبیری
- صفحه‌آرا: محمدرضا لاری چی
- ویراستار: کوروش اشرفی
- طراح: مهرناز منتظریان
- نشانی: میدان آرژانتین، خیابان احمد قسیر
- خیابان دوازدهم، شماره ۲۲
- تلفن: ۰۲۱-۴۵۴۳۶
- تحریریه: داخلی ۱۳۸
- بازرگانی: داخلی ۱۲۲

www.atiyeno.ir

تلویزیون



سیدمهرزاد موسوی  
روزنامه‌نگار

مروری بر «شفرونی»  
و واکنش‌های متناقض به آن

## سرگرمی محض ابتدال یانیاژ مخاطب؟

به محض انتشار قسمت اول شفرونی، موجی از واکنش‌های منفی از سوی برخی رسانه‌ها و منتقدان شکل گرفت. آن‌ها این برنامه را «سبک»، «ساده» و فاقد ارزش‌های فرهنگی عمیق دانستند و حتی برجسب ستکین «ابتدال» را بر پیشانی آن زدند. استدلال آن‌ها این است که تولید محتوا در بستر نمایش خانگی باید فراتر از صرفاً خنداندن و سرگرم کردن باشد و رسالت سنگین‌تری را بر دوش بکشد.

تناقض اصلی ماجرا دقیقاً در همین نقطه است: اختلاف بین دیدگاه منتقدان و استقبال عمومی مخاطبان. درحالی که منتقدان از «سبکی» محتوا می‌گویند، طبق کامنت‌ها و بازخوردها، «شفرونی» از همان قسمت اول با استقبال نسبی از سوی مخاطبان مواجه شده است. مردم با آن ارتباط برقرار کرده‌اند، از آن لذت برده‌اند و احتمالاً آن را پاسخی به نیاز خود برای دوری موقت از جدیت و تلخی‌های روزمره دیده‌اند. پس، مشکل کجاست؟ آیا برنامه‌ای که صرفاً برای سرگرمی ساخته شده، ذاتاً «بد» است؟

پاسخ ساده و قاطعانه این است: خیر. ساختن یک برنامه با رنالتی‌شو با هدف اصلی سرگرمی، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه یک ضرورت و یک بخش طبیعی از صنعت رسانه در تمام دنیاست. رسانه، در کنار نقش آموزشی، اطلاع‌رسانی و حتی آگاهی‌بخش، یک وظیفه تفریحی دارد.

پس، این تصور که یک محتوای سرگرم‌کننده، لزوماً سطحی یا بی‌کیفیت است، یک خطای تحلیلی آشکار است. مهم این است که این سرگرمی چگونه ساخته شود.



رنالتی‌شو «شفرونی»

کارگردان: رضا مهران فر • تهیه‌کننده: حسین ربانی غریبی • مجری: نیما شعبان‌نژاد • محصول: فیلمبو/ استودیو قرن جدید ۱۴۰۴



## دربارهٔ کتاب «قشربندی اجتماعی در بلوچستان»

# دگر سالاری و مرکزمداری

مهرناز منتظریان

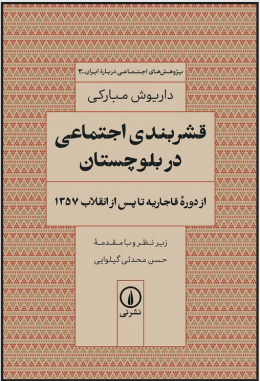
روزنامه‌نگار

قاجار، نظام قشربندی در بلوچستان ریشه‌یابی شده و دربارهٔ حضور و نمود باورهای ناظر به ذات در حماسه‌ها و ضرب‌المثل‌ها بحث شده است. فصل پنجم به قشربندی بلوچستان در دورهٔ پهلوی توجه کرده است. در این فصل، به اقدامات دولت مدرن در بلوچستان پرداخته شده و در نهایت درباره تأثیر اقدامات دولت مدرن بر قشربندی بلوچستان صحبت شده است. فصل بعدی پژوهش به وضعیت دین در بلوچستان مربوط است. نویسنده می‌گوید از آن‌جا که دین در بلوچستان پس از ورود دولت مدرن، متأثر از اوضاع منطقه‌ای، دچار تغییرات بنیادی و ایدئولوژیک می‌شود، تلاش شده به اختصار دربارهٔ این تغییرات بحث شود و صرفاً تغییرات قشربندی در این گروه منزلتی بررسی شود. فصل هفتم به قشربندی بلوچستان پس از انقلاب ۱۳۵۷ اختصاص دارد. در این فصل، سیاست‌های دولت انقلابی و تأثیر این سیاست‌ها بر قشربندی بلوچستان بررسی شده است. در نهایت فصل هشتم کتاب به نتیجه‌گیری بحث پرداخته است. نویسنده می‌گوید این کتاب حاصل حدود هشت سال درگیری ذهنی او و چهار سال پژوهش مستمر در باب قشربندی بلوچستان است.

پژوهش «قشربندی اجتماعی در بلوچستان» از سه جنبه حائز اهمیت است و در کلیات کتاب

به وجوه این اهمیت اشاره شده است: نخست اینکه قشربندی اجتماعی در طول تاریخ مورد توجه نظریه‌پردازان اجتماعی به‌طور عام و جامعه‌شناسان به‌طور خاص بوده است. اگرچه افلاطون در جامعه‌نگری خود بحث طبقه‌بندی اجتماعی را مشروعبیت می‌بخشد یا دیویس و مور، در مقام جامعه‌شناس، قشربندی را برای جامعه مفید و دارای کارکرد می‌دانند، بیشتر این اندیشمندان همواره در پی ارائهٔ راهکار برای برون‌رفت جوامع از نابرابری طبقاتی و قشربندی اجتماعی بوده‌اند. دوم، این پژوهش ما را با نظام شبه‌کاستی قشربندی اجتماعی در بلوچستان ایران آشنا می‌کند و پیامدهای رویدادهایی همچون ورود دولت مدرن و در ادامه وقوع انقلاب ۱۳۵۷ را بررسی می‌کند که بنیان‌های این نظام را ابتدا به لرزه درآورد و نهایتاً باعث فروپاشی آن از حیث عینی شد. سوم، این پژوهش سראغازی است که جامعه‌شناسان به‌همهٔ اجتماعات ایرانی توجه‌شان دهند و آن‌ها را مطالعه کنند؛ به این معنا که آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی در کشور نباید به پایتخت و شهرهای بزرگ محدود شود و به مشکلات مناطق حاشیه‌ای ایران که اتفاقاً مشکلات و آسیب‌های اجتماعی عدیده‌ای دارند، پرداخته شود.

«قشربندی اجتماعی در بلوچستان» زیرنظر حسن محدثی نوشته شده و مقدمه‌ای بر کتاب



کتاب «قشربندی اجتماعی در بلوچستان» نویسنده: داریوش مبارکی • زیر نظر و مقدمه: حسن محدثی • ناشر: نی • چاپ اول: ۱۴۰۴ • ۳۱۷ صفحه • ۳۶۰ هزار تومان

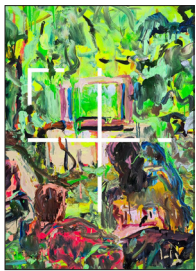
نوشته است. او در ابتدای مقدمه‌اش به ضرورت مرکززدایی از جامعه‌شناسی در ایران اشاره کرده و می‌گوید یکی از مسائل جامعه‌شناسی در این‌جا، دگر سالاری و مرکزمداری است و جامعه‌شناسان چندان از تهران بیرون نرفته و عمدهٔ تحلیل‌هایشان یا ذیل مسائل ملی می‌گنجد یا به مسائل تهران مربوط است. او می‌گوید یکی از دستاوردهای این مطالعه این بوده که نشان می‌دهد چگونه روند نوسازی در ایران معاصر سبب تحول تدریجی از نظام قشربندی سنتی مبتنی بر انتساب به نظام قشربندی شبه‌مدرن و مدرن مبتنی بر انتساب تغییر یافت و اجتماعات بلوچستانی از حالت بسته به حالت باز درآمد و امکان تحرک اجتماعی در آن بیشتر شد.

نگاهی به نمایشگاه «اتاق بازی»

## پیوند واقعیت و دنیای دیجیتال

خورشید آزادی

طراح گرافیک



نمایشگاه «اتاق بازی»

هنرمندان: برادران قاسمی  
۲۸ شهریور تا ۲۵ مهر ۱۴۰۴  
گالری ۲+

نمایشگاه تازه‌ای از آثار برادران قاسمی با عنوان «اتاق بازی» برپا شده است؛ مجموعه‌ای که بنا بر گفتهٔ برگزارکنندگان، هم‌زیستی دنیای واقعی و مجازی را با نگاهی متفاوت به تصویر می‌کشد. این نمایشگاه که با تلاش و همت کیمیا مودی تدارک دیده شده است، ادامهٔ مسیر هنری دو هنرمند جوان بندر انزلی است که در سال‌های اخیر با مجموعه‌های متنوع و پرمخاطب خود توانسته‌اند جایگاه ویژه‌ای در میان هنرمندان پست‌مدرن ایران و خارج از کشور پیدا کنند. آخرین نمایشگاه انفرادی آن‌ها با عنوان «درِدار همیشگی»، دو سال پیش، در موزای مدار تهران برپا شد و با استقبال گسترده هنردوستان و چهره‌های فرهنگی همراه بود.

در مجموعه «اتاق بازی»، نقاشی‌ها اغلب فیگورهایی را نشان می‌دهند که در حال لم دادن یا فرو رفتن در کاناپه هستند، در حالی که دسته بازی «جوی‌بد» در دست دارند و به صفحهٔ تلویزیون خیره شده‌اند. خطوط واضح در این فیگورها محو شده و عناصر بصری با دیدگاه هنرمندانه برادران قاسمی در پس‌زمینه حل می‌شوند. منتقدان هنری می‌گویند هرچند ضرب‌قلم‌های سبز رنگ در نگاه نخست یادآور چشم‌اندازهای طبیعی زادگاه هنرمندان در بندر انزلی است، اما در این آثار، سبز ثنونی صفحهٔ تلویزیون معنا و خوانشی تازه به نمایش می‌گذارد.

به گفته برخی اساتید هنر، این مجموعه گویی مرز میان واقعیت و دنیای دیجیتال را پاک می‌کند و فضایی «میان واقعی» یا «جهان سوم خیال انگیز» را در برابر مخاطب می‌سازد؛ جهانی که در آن قلم‌مو، پیکسل و تخیل در هم تنیده می‌شوند.

• یکشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۴ • شماره ۴۹۹



حمیدرضا محمدی

روزنامه‌نگار

یک دهه پس از «عبدالرحیم جعفری»  
و «امیرکبیر» ش

## نمادِ امید

شاید آن فیلم چهل‌ثانیه‌ای حضور «عبدالرحیم جعفری» در نمایشگاه کتاب تهران را دیده باشید. وقتی بعد از سال‌ها و احتمالاً در اوایل دههٔ ۹۰، به غرفهٔ مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر می‌رود و از جوانک غرفه‌داری می‌پرسد که می‌دانی من چه کسی هستم و او نمی‌شناسد و حتی با ظاهری زنده با او برخورد می‌کند. ویدئویی که دل سنگ را آب می‌کند، وقتی در غرفهٔ بنگاه انتشارات‌ای که در آن زمان ۳۰ سال بیش‌تر نداشت و پایه‌گذاری‌اش کرده بود، درست سه‌دهه و بسان یک فرزند، مراقبتش کرد و پرورش‌اش داد و بدل به بزرگ‌ترین ناشر خاورمیانه در روزگار خود کرد، رفت، کسی، حتی شاید مخاطبان آن ناشر که داشتند کتاب‌های امیرکبیر را تورق می‌کردند، نمی‌شناختندش.

هرجای دیگری در دنیا بود، نه تنها مؤسسه‌ای را که با عرق جبین و کدِ یمین فراهم آورده بود، محفوظ نگاه می‌داشتند که روی سرشان می‌گذاشتندش و حواحل‌وایش می‌کردند و اسلوب انتشارات‌داری‌اش را تعلیم می‌دادند و آن همه بارقه را ارج و اجر می‌نهادند اما در این‌جا همه چیز گویی برعکس است. او که در همهٔ این دوران، مطلقاً مستقل، چیزی جز خدمت به فرهنگ ایران در سر نداشت و در دل نپورده بود، با اتهاماتی چون اختلاس در چاپ و نشر کتاب‌های درسی، خانه‌نشین شد.

او که در تمام آن ۳۰ سال، از ۱۲ آبان ۱۳۲۸ کار خود را با خرید سرقفلی اولین فروشگاه خود در آن بالاخانهٔ ۱۶ متری چاپخانه خورشید در خیابان ناصرخسرو آغاز کرد و اولین کتاب‌های منتشرشده‌اش پس از جزوهٔ «نماز» تصحیح آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای جهت تیمن و تبرک، «فن ورزش» ترجمه منیر مهران و «انرژی اتمی» برگردان حسن صفاری بودند، تا ۲۵ بهمن ۱۳۵۸، یعنی درست ۳۱ ماه پس از گام نهادن به شصتمین پله نردبان زندگی، حدود ۲ هزار عنوان کتاب به طبع رساند که تنها در سال آخر به ۴۸۰ عنوان رسید که ۱۵۰ مورد آن جدید بودند و ۱۵۰ کتاب دیگر یا در حروفچینی بود یا در صفای. مؤلفان و مصححان و مترجمان فراوانی را او کشف کرد و کسان بسیاری انتشار اولین کتابشان را مرهون و مدیون او بودند و هستند. او که پرداخت حق التألیف و انعقاد قرارداد سفت و محکم از اصول بدیهی‌اش بود و بعضاً پیش از انتشار کتاب، حق پدیدآورنده‌اش را پرداخت می‌کرد و از همه مهم‌تر حقوق کارگانش را همیشه پیش چشم داشت.

جعفری ناشری کارآفرین و خلاق و به نوآوری علاقه‌مند بود و مدام سر آن داشت تا طرحی نو دراندازد. ماجراجویی را در نشر می‌پسندید و خورش را به جان می‌خريد و همین خطر کردن هم بود که آثاری ماندگار به یادگار گذاشت. افزون بر این، او از اولین ناشرانی بود که کپی‌رایت را مطمح نظر و مورد توجه قرار داد.

اوسرشار و سراسر از امید بود. وقتی به کسی ایمان می‌آورد، همه‌جوره هوابش را داشت تا کتاب را به سرنمزل مقصود و معهود برساند. چنان که اگر روایت پایداری و پای‌مردی‌اش برای به نتیجه رسیدن فرهنگ معین یا شاهنامه رادر خاطر‌اتش بخوانید، پی می‌برید.

اما درد و دریغ که همه‌اش، در ۲۹ خرداد ۱۳۶۲ یک شبه از کفش رفت و حتی گذاشتند با آن نام، بار دیگر کار کند. اما از آن نهاد پویا و جویا، حال جز مریضی محضر باقی نمانده است. مؤسسه‌ای دارای تراز مالی فوق‌العاده، با برندی جهانی و مالکیت ۱۰ کتابفروشی در تهران - از خیابان ناصرخسرو و بازار بین‌الحرمین تا چهارراه مخبرالدوله و شاه‌آباد قدیم و از روبه‌روی دانشگاه تهران و میدان فردوسی تا میدان شهناز - و بیش از ۴۰۰ نمایندگی در شهرهای ایران، حالا خیلی وقت می‌شود که مثله شده و در آستانه ورشکستگی است و حتی جالب است که هنوز هم دارند کتاب‌های «امیرکبیر» جعفری را بازنشر می‌کنند! این مرد نستوه نشر، تا آخرین نفس، در دهم مهر ۱۳۹۴، به دنبال احیای آن مرد هخامنشی سوار بر اربه بود و آیینه تمام‌نمای امید در اوج ناامیدی.